

# بحران خلأ قدرت ریاست جمهوری در لبنان

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۳۷۶۰

تیرماه ۱۳۹۳

دفتر: مطالعات سیاسی

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	دوره ریاست جمهوری میشل سلیمان
۸	عوامل داخلی تأثیرگذار در انتخاب رئیس جمهور
۹	عوامل خارجی تأثیرگذار در انتخاب رئیس جمهور
۱۲	سناریوهای احتمالی برای پست ریاست جمهوری
۱۷	جمع‌بندی
۲۰	منابع و مآخذ



## بحران خلأ قدرت ریاست جمهوری در لبنان

### چکیده

لبنان از جمله کشورهای خاورمیانه است که تحرکات داخلی پرفرازونشیبی را طی می‌کند. پویس‌های سیاسی این کشور همواره از عوامل مختلف داخلی و خارجی تأثیر پذیرفته و در عین حال بر آنها تأثیر نیز می‌گذارد. بحران خلأ سیاسی ناشی از خالی بودن جایگاه ریاست جمهوری در لبنان از پدیده‌های آشنا برای این کشور است. بیروت برای سومین بار در سال ۲۰۱۴ با بحران خلأ قدرت ریاست جمهوری مواجه است. به نظر می‌رسد عوامل داخلی نظیر رقابت و عدم اجماع جریان‌های احزاب داخلی که خود معلول ساختار جمعیتی متکثر آن است از یکسو و عوامل خارجی که عمدتاً معطوف به صف‌بندی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نیز رژیم صهیونیستی از سوی دیگر است در روند انتخاب رئیس جمهوری لبنان تأثیر به‌سزایی دارند. در توضیح مطلب باید افزود که برخی تحولات منطقه مانند منازعه رژیم اسرائیل و حزب الله و همچنین بحران سوریه و عراق نیز تأثیر به‌سزایی در روند خلأ قدرت سیاسی در لبنان و همچنین چشم‌انداز آتی آن دارند. بنابراین ساختار سیاسی ویژه لبنان و فضای حاکم بر معادلات سیاسی این کشور به‌همراه عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی به ناکامی در انتخابات رئیس جمهوری لبنان منجر شده است. این روند خود به ایجاد اختلال بیشتر در روند فعالیت‌های کابینه خواهد انجامید. نکته مهم آن است که در چنین شرایطی انتخاب رئیس‌جمهور در پارلمان منوط به توافق دو جریان

اصلی ۸ و ۱۴ مارس است که مواضعی متفاوت در زمینه مسائل منطقه‌ای دارند. علاوه بر این گروه‌های میانه‌روی مستقل نیز که در مسائل منطقه‌ای خواهان همبستگی در کنار تحولات سوریه و عراق هستند، در گذار از این بن‌بست سیاسی نقش مؤثری دارند. بنابراین، به نظر می‌رسد پایان دادن به بحران خلأ قدرت سیاسی لبنان مستلزم توافق ملی و همچنین فراملی است.

## مقدمه

کشور لبنان با ۲۲۵ کیلومتر مرز ساحلی در دریای مدیترانه، ۷۹ کیلومتر مرز با رژیم صهیونیستی و ۳۷۵ کیلومتر خط مرزی با سوریه، از حیث تعدد و تنوع مذاهب موجود، یکی از متنوع‌ترین کشورهای دنیا محسوب شده به‌گونه‌ای که بیش از ۱۸ مذهب رسمی در آن وجود داشته و این مذاهب با مسائل طایفه‌ای نیز پیوندی تنگاتنگ دارند و تفکیک طوایف مختلف از یکدیگر به واسطه نوع وابستگی دینی مذهبی آنها صورت می‌گیرد. بر همین اساس، ترکیب جمعیتی این کشور برمبنای شیعه ۳۲ درصد، مارونی ۲۴ درصد، سنی ۲۱ درصد، دروزی ۷ درصد، سایر مذاهب ۱۶ درصد تقسیم‌بندی می‌شود. بر پایه پیمان ملی (الميثاق الوطني) سال ۱۹۴۳ ساختار سیاسی این کشور مبتنی بر دمکراسی انجمنی است که طی آن، ریاست مجلس برای شیعیان، نخست‌وزیری در اختیار اهل تسنن و ریاست جمهوری متعلق به مسیحیان است. جنگ داخلی در لبنان که سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) آغاز شد بیانگر معضلی بنیادین بود که در بطن ساختار سیاسی این کشور وجود داشت. بر پایه این ساختار،



رئیس‌جمهوری قدرت برتر به‌شمار می‌آمد و بر دو نهاد نخست‌وزیری و مجلس تسلط داشت، اما بحران و درگیری‌های داخلی و پیامدهای پس از آن نشان داد این ساختار ناکارآمد بوده و باید اصلاح شود. در نتیجه، طرف‌های درگیر در سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸) و با تلاش عربستان سعودی در شهر طایف گرد هم آمده و تلاش کردند با توجه به واقعیات موجود اصلاحاتی در ساختار سیاسی لبنان ایجاد کنند.

بر اساس اصلاحات صورت گرفته در قانون اساسی با امضای پیمان ملی در اجلاس طایف، از برخی اختیارات ریاست‌جمهوری کاسته و بر اقتدار نخست‌وزیر و مجلس افزوده و نوعی توازن سیاسی در ساختار و مناسبات میان گروه‌های مذهبی ایجاد شد. بنابراین، در نبود رئیس‌جمهور نهادهای سیاسی همچنان به کار خود ادامه داده، اختیارات وی به شورای وزیران واگذار شده و تصمیمات نیز با اجماع و اتفاق آرا در کابینه اتخاذ می‌شوند. اما شکنندگی ساختار سیاسی لبنان به دلایل گوناگون، از جمله محتوای منشور پیمان ملی، حتی در سایه اصلاح قانون اساسی در پیمان طائف همچنان به قوت خود باقی است. اصل هفتادوسوم قانون اساسی لبنان مقرر می‌دارد حداقل یک و حداکثر دو ماه قبل از پایان مهلت دوره ریاست‌جمهوری، به دعوت رئیس مجلس برای انتخاب رئیس‌جمهور جدید یک نشست پارلمانی برگزار شود تا نمایندگان از میان کاندیداهای مسیحی، رئیس‌جمهور را برای یک دوره ۶ ساله انتخاب کنند. از آن جایی که انتخاب مجدد یک رئیس‌جمهور برای یک دوره دیگر نیز منع قانونی دارد، ماده (۴۹) بیان می‌دارد که رئیس‌جمهور در دوره اول رأی‌گیری بر اساس رأی دوسوم نمایندگان شرکت‌کننده و در دوره بعدی بر اساس اکثریت مطلق انتخاب می‌شود. مجلس لبنان ۱۲۴ نماینده داشته که بر اساس ماده قانونی

مذکور، حضور ۸۶ نماینده، معادل دوسوم نمایندگان، در صحن پارلمان به‌منظور انتخاب رئیس‌جمهور ضروری است و هر نامزدی که بتواند اکثریت مطلق (نصف بعلاوه یک معادل ۶۵ رأی) را کسب کند، می‌تواند به کاخ ریاست‌جمهوری (بعبدال) راه یابد. بر پایه اصلاحیه قانون اساسی، در صورتی‌که دوره نخست‌وزیر به پایان برسد و گزینه جایگزین انتخاب نشده باشد، نخست‌وزیر پیشین تا انتخاب فرد بعدی در سمت خود ابقا می‌گردد. تلاش مسیحیان بر این است که برای جایگاه ریاست‌جمهوری نیز چنین اصلاحیه‌ای را ایجاد کرده تا اگر بر سر انتخاب رئیس‌جمهوری بعدی توافق صورت نگرفت، فرد کنونی همچنان به فعالیت خود ادامه دهد (ایرنا، ۱۳۹۳).

### دوره ریاست‌جمهوری میشل سلیمان

لبنان تاکنون شاهد سه دوره خلأ سیاسی ناشی از عدم انتخاب رئیس‌جمهور بوده است. نخستین بن‌بست در سال ۱۹۸۸ و همزمان با اتمام دوره ریاست‌جمهوری امین جمیل رخ داد که در نهایت موضوع به تشکیل دو دولت متنازع و بحران داخلی منجر شد. توافق طائف و توزیع مجدد اختیارات و تقسیم قدرت، عامل حل‌وفصل اختلافات و نزدیکی مواضع پس از این بن‌بست سیاسی گردید. دومین بحران به سال ۲۰۰۷ باز می‌گردد، زمانی که در پی اتمام مهلت ریاست‌جمهوری امیل لحود خلأ سیاسی در کشور ایجاد شد و این بار بود که توافق دوحه باعث تفاهم برای تعیین رئیس‌جمهور و دولت جدید و تدوین قانون انتخابات شد. خلأ سوم نیز در سال ۲۰۱۴ همزمان با



پایان دوره ۶ ساله ریاست جمهوری میشل سلیمان، به‌عنوان دوازدهمین دوره ریاست جمهوری در این کشور، در ۲۵ می (۴ خرداد) ایجاد شد، اما گروه‌های سیاسی نتوانستند بر سر نام رئیس‌جمهوری تازه به یک دیدگاه واحد دست یابند و در نتیجه، لبنان برای سومین بار در تاریخ خود به خلأ سیاسی ناشی از خالی بودن جایگاه ریاست جمهوری وارد شد. سلیمان در ۲۵ ماه می ۲۰۰۸ بر اساس تصمیمات نشست دوحه در کشور قطر به کاخ ریاست‌جمهوری لبنان راه یافت. وی دوره ریاست‌جمهوری خود را درحالی آغاز کرد که لبنان در خلأ سیاسی به‌سر می‌برد و ژنرال امیل لحود به‌دلیل پایان دوره ریاست‌جمهوری خود و حتی یک مرحله تمدید آن، بعداً را ترک کرده بود. بنابراین میشل سلیمان نه از رئیس‌جمهوری یازدهم، کشور را تحویل گرفت و نه آن را به رئیس‌جمهوری سیزدهم تحویل داد و به تعبیر بهتر دوره ۶ ساله ریاست‌جمهوری خود را با خلأ سیاسی آغاز و با خلأ سیاسی به پایان رساند.

پارلمان لبنان تاکنون برای انتخاب رئیس‌جمهور جدید ۶ نشست برگزار کرده است. جلسه نخست چهارشنبه ۲۳ آوریل (۳ اردیبهشت) برگزار شد، اما سمیر جعجع، نامزد جریان غربگرا ۱۴ مارس نتوانست بیش از ۴۸ رأی کسب کند. جلسه دوم پارلمان نیز قرار بود روز ۳۰ آوریل (۱۰ اردیبهشت) برگزار شود، اما به‌دلیل حضور تنها ۷۶ نماینده به حدنصاب نرسید. گروه ۸ مارس اصرار دارد که نامزد گروه رقیب تاکنون مرتکب اقدامات تروریستی شده که به‌معنای دیگر، عامل برگزار نشدن جلسات پارلمان برای انتخاب رئیس‌جمهوری است. این عدم رضایت تنها منحصر به گروه ۸ مارس نیست، برخی جریانات داخلی گروه ۱۴ مارس هم بر تحریک‌آمیز بودن نام

جمع تأکید دارند. نیبه بری رئیس پارلمان، چهارشنبه ۷ می (۱۷ اردیبهشت) را زمان برگزاری جلسه سوم تعیین کرد، اما این جلسه نیز به سرنوشت جلسه دوم دچار شد، همچنان که جلسه چهارم نیز که تاریخ برگزاری آن، یک هفته بعد در روز پنجشنبه ۱۵ می (۲۵ اردیبهشت)، تعیین شده بود، باز هم به حدنصاب نرسید. همچنین، پنجمین جلسه متوالی در روز پنجشنبه ۲۲ می (۱ خرداد)، برگزار شد، اما جریان‌های سیاسی لبنان نتوانستند به توافقی در رابطه با رئیس‌جمهور جدید دست یابند. ششمین جلسه پارلمان نیز در روز ۹ ژوئن (۱۹ خرداد)، به‌منظور انتخاب رئیس‌جمهور جدید این کشور به سرنوشت جلسات گذشته دچار شد و شبکه تلویزیونی «المنار» لبنان، علت آن را به حد نصاب نرسیدن شمار نمایندگان، به‌ویژه از جریان ۸ مارس، بیان کرد. در نهایت روز چهارشنبه ۱۸ ژوئن (۲۸ خرداد)، از جانب رئیس مجلس لبنان به‌عنوان موعد بعدی انتخاب جانشین میشل سلیمان تعیین شد که این جلسه هم به‌دلیل به حد نصاب نرسیدن شمار نمایندگان تشکیل نشد. بنابراین به دنبال فعالیت کابینه جدید از روز ۲۶ بهمن ۱۳۹۲ پس از ۱۰ ماه اختلاف بر سر شکل‌گیری آن، لبنان بار دیگر وارد یک خلأ سیاسی جدید شد. به هر شکل روند انتخابات ریاست‌جمهوری به پروژه‌ای نفس‌گیر برای دو جریان اصلی درگیر تبدیل شده که تاکنون پس از ۶ مرحله رأی‌گیری در پارلمان، موفق به انتخاب رئیس‌جمهور برای این کشور نشده است. دلایل ایجاد این خلأ سیاسی را باید در رقابت جریان‌ها و احزاب سیاسی لبنان دانست که با زورآزمایی‌هایی خود مدت‌هاست برای پیروزی در ماراتن انتخابات دورخیز کرده‌اند.



## جناح‌های حاضر در مجلس لبنان

نحوه توزیع کرسی‌های احزاب را در پارلمان کنونی لبنان به این صورت می‌توان برشمرد که گروه‌های ۸ و ۱۴ مارس به ترتیب با ۵۷ و ۵۴ نماینده به همراه جناح مستقل و میانه با ۱۴ نماینده در مجلس فعال‌اند. این مسئله تا حد زیادی با توجه به اینکه هیچ‌یک دارای اکثریت دوسوم نیستند، فرآیند انتخاب سریع رئیس جمهوری را با مشکلات و موانع عمده‌ای مواجه ساخته است. تاکنون نام برخی نامزدها، از جمله ژنرال میشل عون رئیس فراکسیون تغییر و اصلاح، سمیر جعجع رئیس حزب نیروهای لبنانی (حزب القوات) موسوم به فالانژها، امین جمیل رئیس حزب غرب‌گرای مسیحی کتائب، سلیمان فرنجه رئیس حزب المرده، جان قهوجی، ریاض سلامه، روبیر غانم و جان عبید مطرح بوده است (الاخبار، ۲۰۱۳). در این میان از میشل عون به عنوان نامزد مورد نظر گروه ۸ مارس و سمیر جعجع به عنوان کاندید مطرح گروه ۱۴ مارس بیش از دیگر افراد نام برده می‌شود. کاندیدای بعدی هنری حلو ۶۱ ساله، نماینده پارلمان از منطقه دروزی نشین عالیه است که از سوی فراکسیون حزب تحت ریاست ولید جنبلاط، موسوم به سوسیالیست ترقی‌خواه، با ۱۱ کرسی در پارلمان برای ریاست جمهوری کاندیدا شده بود. ولید جنبلاط با وجود نزدیکی به ۱۴ مارس و سعد حریری، یک روز پیش از برگزاری جلسه پارلمان، موضع خود را در قبال سمیر جعجع اعلام و رسماً با نامزدی هنری حلو موافقت کرد. به این ترتیب آرای فراکسیون ۱۱ نفری جنبلاط به سبب سمیر جعجع ریخته نشد و به این ترتیب جعجع نتوانست آرای دوسوم اعضای مجلس را به دست آورد. روبیر غانم ۷۲ ساله نیز نماینده

پارلمان لبنان از منطقه بقاع غربی بوده و خود از چهره‌های شناخته شده ۱۴ مارس لبنان محسوب می‌شود. در حالی که گروه‌هایی در داخل جریان ۱۴ مارس از جمع حمایت کرده‌اند، ولی حضور غانم و هنری حلو نشان داد که بر سر جمع اجماع وجود ندارد.

### عوامل داخلی تأثیرگذار در انتخاب رئیس‌جمهور

موضوع بن‌بست انتخاب رئیس‌جمهوری در لبنان به وجود مشکلات سیاسی جدی در عرصه‌های داخلی و خارجی بازمی‌گردد. بدین معنا که اختلافات میان گروه‌های لبنانی در داخل، به‌ویژه بین ۸ و ۱۴ مارس از سال‌های گذشته و بر سر مسائلی از جمله ترور رفیق حریری، نخست‌وزیر اسبق لبنان، و جنگ ۳۳ روزه میان حزب‌الله و رژیم صهیونیستی و ادامه این منازعه باعث عدم دستیابی به توافق و اجماع شده است (نشریه هفته‌نامه ترکیه، ۳۰ آوریل ۲۰۱۴). آن چه مسلم است اینکه، رایزنی‌ها میان رؤسای احزاب و گروه‌های لبنانی در این رابطه بسیار حائز اهمیت بوده است دیدار میشل عون با سعد حریری و امین جمیل از آن جمله است که برای نخستین‌بار از سال ۲۰۰۸ صورت گرفت و می‌توان نشست سمیر جعجع با سعد حریری و سلیمان فرنجیه را نیز به آن افزود. در حوزه منطقه‌ای نیز حوادث اخیر سوریه و مسئله حمایت از بشار اسد در کنار حمله تروریست‌های داعش به عراق زخم عمیقی در لبنان ایجاد نموده و تضادها و اختلافات را میان گروه‌های داخلی تشدید کرده است. با این حال، نمایندگان جناح‌های مختلف لبنانی درخصوص ادامه این روند، به‌ویژه



پیامدهای خطرناک تحولات جدید در عراق، به شدت ابراز نگرانی کرده‌اند. نیبه بری، رئیس مجلس لبنان ضمن هشدار به ادامه اختلافات داخلی، ابراز امیدواری کرده است که طوفان اخیر در منطقه، لبنانی‌ها را از گرایش‌های مختلف به خود آورد تا اختلافات داخلی را کنار گذارده و زمینه انتخاب رئیس‌جمهور جدید را فراهم آورند. تمام سلام، نخست‌وزیر لبنان، نیز در جلسه پنج‌شنبه ۲۲ خردادماه هیئت دولت این کشور، تحولات شتابان اخیر را در منطقه به‌ویژه عراق، دارای پیامدهای جدی بر این کشور دانست. ولید جنبلاط هم در گفتگو با روزنامه السفير تصریح نمود که باید اوضاع داخلی را به سرعت با انتخاب رئیس‌جمهور تثبیت و تقویت کرد تا از پیامدهای منفی ناشی از هجوم مشکوک و ترسناک داعش به عراق و بازگشت به شرایطی همانند جریان احمد الاسیر در صیدا و درگیری‌های مسلحانه در طرابلس جلوگیری به‌عمل آید.

### عوامل خارجی تأثیرگذار در انتخاب رئیس‌جمهور

موقعیت استراتژیک لبنان که عمدتاً مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای است از یک طرف و نظام طایفه‌ای و وجود بسترهای قبیله‌ای و سیاسی حاکم، از طرف دیگر، لبنان را به قطعه‌ای متمایز از پیکره سیاسی - اجتماعی در جهان عرب تبدیل کرده است. این ویژگی سبب شده که تحولات لبنان به‌ویژه انتخابات در آن همواره در کانون توجه محافل منطقه‌ای و جهانی قرار گیرد. عوامل فراملی همواره از نقشی مهم و تأثیرگذار در انتخابات پیشین ریاست‌جمهوری لبنان برخوردار بوده.

به نظر می‌رسد سیزدهمین دور انتخابات ریاست جمهوری که در فضای خاصی در حال شکل‌گیری است، با موارد مشابه در گذشته متفاوت بوده و در واقع مهم‌تر تلقی شود. انتخابات پیش‌روی لبنان در شرایطی در حال برگزاری است که در همسایگی این کشور در سوریه و به دنبال آن در عراق، بحرانی بزرگ جریان دارد که تأثیرات آن بر انتخابات لبنان کاملاً مشهود است. این موضوع برای گروه‌های سیاسی فعال در این انتخابات نیز از اهمیت کلیدی برخوردار بوده و نسبت به این مهم دارای مواضعی متفاوتند و به تبع آن، پیروزی هر کدام از جریان‌های سیاسی می‌تواند از یک سو بحران سوریه را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. از سوی دیگر در افزایش یا کاهش نقش فرماندهی‌های قدرت‌های دخیل در سوریه نیز مؤثر باشد، زیرا صف‌آرایی قدرت‌ها در سوریه و لبنان از یک قالب تحلیلی پیروی می‌کنند.

در حقیقت، کشورهای دخیل در امور داخلی لبنان که سال‌هاست، در دو گروه صف‌آرایی می‌کنند، در این انتخابات نیز به دنبال اعمال نفوذ در عرصه این کشور هستند. جبهه نخست به سردمداری غرب و به خصوص ایالات متحده است که به جبهه ضد مقاومت نیز شهره بوده و کشورهای نظیر آمریکا، کشورهای اروپایی، رژیم صهیونیستی و وابستگان آنها در منطقه، از جمله عربستان سعودی، قطر، بحرین و اردن را شامل می‌گردد و از طریق جریان‌های همسو با خود، مانند جریان ۱۴ مارس، اهداف خود را در خاورمیانه پیگیری می‌کنند (عرب دیلی، ۲۰۱۴). در سوی دیگر، جبهه حامیان مقاومت قرار دارد که دغدغه آن روی کارآمدن فردی است که حمایت از مقاومت اسلامی منطقه را در برنامه‌های خود جای دهد. در این انتخابات نیز این جبهه در صدد تقویت افرادی با شاخصه‌هایی همچون مخالفت با خلع سلاح مقاومت، حمایت



از سوریه و مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی است که نماد این رویه در خط‌مشی حزب‌الله متبلور است. در صورت پیروزی این جریان، جبهه ضد‌مقاومت منطقه که تمام هم‌وغم خود را در سوریه برای سرنگونی بشار اسد به‌کار بسته بود، با محدودیت ژئوپلیتیکی مواجه خواهد شد. در توضیح مطلب باید افزود که انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری در سوریه نیز در این روند بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

آمریکا و فرانسه در سطح بین‌المللی به‌اضافه ایران و عربستان سعودی در عرصه منطقه‌ای بیشترین نقش را در این فرآیند ایفا کرده‌اند. سفر اخیر جان کری، وزیر خارجه آمریکا به لبنان و تأکید بر تسریع در انتخاب رئیس‌جمهوری با تمسک به پیمان طائف علاوه بر رایزنی‌های سفیر این کشور در بیروت و ریاض نیز در همین راستا تحلیل می‌شود. روزنامه‌الدیار در گزارش اخیر خود به اظهارنظر جان کری درباره حزب‌الله به‌عنوان یک گروه تأثیرگذار و دارای نقش مثبت برای توقف جنگ در سوریه در کنار دیگر طرف‌های مؤثر اشاره کرد که البته ناخرسندی برخی را در درون جریان ۱۴ مارس به‌دنبال داشت (خبرگزاری مهر، ۲۶ خرداد). بر همین اساس، دو رویکرد در این رابطه متصور است: عده‌ای بر این باورند که آمریکا در این مرحله حساس به هیچ‌عنوان به‌دنبال انتخاب رئیس‌جمهوری تنش‌زا در لبنان نیست، زیرا پیشاپیش توافق شده است تا این کشور از دایره مناقشات منطقه‌ای و به‌خصوص درگیری‌های سوریه دور بماند. به همین دلیل است که برنامه‌های امنیتی ارتش لبنان تاکنون در طرابلس واقع در شمال این کشور با دقت هر چه تمام‌تر در حال پیاده شدن است و بسیاری از فرماندهان شبه‌نظامی این منطقه که از حامیان مخالفان مسلح نظام سوریه به‌شمار می‌آیند، خود را تسلیم نیروهای امنیتی لبنان کرده‌اند و به شکل قابل

ملاحظه‌ای نیز سطح درگیری‌های نظامی در این منطقه فروکش کرده است. برخی دیگر نیز معتقدند بخش مهمی از پرونده انتخاب رئیس‌جمهور لبنان مرهون نتایج مذاکرات احتمالی تهران و ریاض بوده و تا پیش از آن بعید است گشایشی در بحران سیاسی کنونی فراهم شود. هرچند، پایگاه خبری «النشره» لبنان در همین راستا از برگزاری سه نشست مشترک بین مقامات ایرانی و سعودی خبر داده و مدعی شده است که موضوع انتخاب رئیس‌جمهوری لبنان در قلب مذاکرات جاری بین ریاض و تهران قرار دارد. در واقع برگزاری موفق انتخابات اخیر در عراق در کنار انتخاب دوباره بشار اسد به‌عنوان رئیس‌جمهور سوریه می‌تواند محکی بر نقش منطقه‌ای ایران تلقی شده که قطعاً در انتخابات لبنان که احتمالاً تا ماه سپتامبر به تعویق خواهد افتاد، نیز تأثیرگذار است (نهار نت، ۲۰۱۴). پایگاه اطلاع‌رسانی نهار نت لبنان، موفقیت در مذاکرات میان ایران و آمریکا را درخصوص موضوع هسته‌ای تهران و حصول توافق احتمالی در این رابطه را عامل مهمی در پایان بن‌بست سیاسی کنونی در کشور ارزیابی می‌کند.

### سناریوهای احتمالی برای پست ریاست‌جمهوری

با توجه به شرایط حاکم بر گروه‌ها و جناح‌های مختلف در لبنان می‌توان پنج سناریو را برای رئیس‌جمهور آتی این کشور در نظر گرفت:

۱. سناریویی که میشل سلیمان رئیس‌جمهور دوازدهم ارائه داده و این‌گونه القا می‌کند که کشور به سوی خلأ سیاسی و بحران قانون اساسی پیش می‌رود و لذا



تمدید دوره ریاست‌جمهوری وی، در شرایط کنونی بهترین راه‌حل محسوب می‌گردد. البته در این مسیر حمایت «بشاره بطرس الراعی»، رهبر مسیحیان مارونی لبنان را نیز به‌دنبال داشته که معتقد است اگر پارلمان به نتیجه‌ای نرسد دوره میشل سلیمان باید تمدید شود. سلیمان همچنین خواهان انتخاب رئیس‌جمهور بدون هرگونه مداخله خارجی شده است (دبلی‌استار، ۲۰۱۴). این تمدید از سوی شماری از کشورهای عربی نیز مورد قبول است، زیرا برای آنها میشل سلیمان تضمین شده و بهتر از فرد ناشناسی است که می‌خواهد در این منصب قرار گیرد. این درحالی است که جریان ۸ مارس و بسیاری از شخصیت‌های مستقل مسیحی و مسلمان با این طرح مخالف بوده و مواضع وی را، به‌ویژه در دو سال گذشته، بیشتر در مسیر حمایت از جریان ۱۴ مارس و حتی فراتر از حوزه مسئولیتی وی قلمداد کرده‌اند (الاخبار، ۲۰۱۳). سلیمان در سخنرانی پایان سال ۲۰۱۳ خود از کمک ۳ میلیارد دلاری پادشاه عربستان سعودی خبر داد که قرار بود در اختیار فرانسه قرار گرفته تا سلاح‌هایی را که آنها تعیین می‌کنند، مشروط به عدم مخالفت اسرائیل، به ارتش لبنان تحویل دهد. وی در پایان سخنرانی خود همچنین، قبل از شعار زنده‌باد لبنان، فریاد زنده‌باد سعودی سر داد که این اقدام، خشم بسیاری را در لبنان برانگیخت. به‌نظر می‌رسد جدی‌ترین موضع مخالف میشل سلیمان در اظهاراتی مطرح شد که به باور ناظران، پرونده سیاسی وی را برای همیشه بست، زمانی که از معادله طلایی «ارتش، ملت و مقاومت» به‌عنوان معادله‌ای سست و چوبین یاد کرد و خواستار کنار گذاشتن آن شد. این موضع‌گیری با واکنش قاطع حزب‌الله و هم‌پیمانان آن و بخش زیادی از مردم لبنان مواجه و تأکید شد سلیمان دیگر صلاحیت نشستن بر کرسی ریاست‌جمهوری را

ندارد، زیرا از جایگاه ملی خود عدول کرده و همسو با یک طیف سیاسی شده است. در حقیقت، تلاش‌های اخیر میشل سلیمان تحت عناوینی مانند تصویب راهبرد دفاعی و تشکیل میز گفتگوهای ملی، حذف مقاومت ضدصهیونیستی و خلع سلاح حزب‌الله بوده است، هدفی که رژیم صهیونیستی با تحمیل جنگ‌ها بر لبنان و به‌رغم حمایت بسیاری از کشورهای عربی و غربی، به‌ویژه آمریکا، نتوانست آن را محقق سازد. بنابراین، روابط میان سلیمان و حزب‌الله در پی مخالفت این حزب با تمدید دوره ریاست‌جمهوری‌اش، به‌سردی گرایید و نشریه اللّواء به نقل از منابع نزدیک به حزب‌الله اعلام کرد: مقاومت لبنان به میشل سلیمان ابلاغ کرده است به‌علت این اظهارات، به کمتر از عذرخواهی وی از حزب‌الله رضایت نمی‌دهد و تنها در این صورت است که در روابط با وی ممکن است تجدید نظر شود. در نتیجه، از منظر جریان ۱۴ مارس «تمدید بهتر از خلأ سیاسی است»، اما جریان ۸ مارس اعتقاد دارد «خلأ سیاسی بهتر از تمدید دوره ریاست‌جمهوری سلیمان است» (دیپلماسی ایران، ۱۳۹۲).

۲. سناریویی که میشل عون، رئیس فراکسیون تغییر و اصلاح در پارلمان لبنان ارائه می‌کند که مبتنی بر توافق با همه طرف‌های داخلی در این کشور است. وی اگرچه از سوی گروه ۸ مارس حمایت می‌شود، اما درها را برای دیگر جناح‌ها، به‌ویژه گروه ۱۴ مارس و جریان‌المستقبل گشوده که در این صورت قادر خواهد بود توجهات داخلی و بین‌المللی را به‌سوی خود معطوف دارد. در همین راستا طرح میشل عون مبتنی بر معادله «سیدحسین نصرالله، سعد حریری و میشل عون» در قالب شعار «ارتش، ملت و مقاومت» به‌عنوان کلید حل بحران‌های لبنان همچنان پابرجاست. وی، علاوه بر این، اتحاد میان شیعه و سنی و همراه نمودن مسیحیان از گروه‌های مختلف



را راهبرد خود اعلام کرده و این مهم را پیگیری می‌کند. گفته می‌شود آمریکا نیز از نامزدی میشل عون حمایت کرده، درحالی که عربستان سعودی و فرانسه بر این باورند که میشل عون و حتی سمیر جعجع از قابلیت ایجاد اجماع در میان گروه‌های رقیب برخوردار نیستند (میدل ایست مانیتور، ۲۰۱۴).

۳. سناریوی دیگر مربوط به سمیر جعجع، رئیس حزب نیروهای لبنانی است که توسط بشیر جمیل و در زمان جنگ‌های داخلی تأسیس شد. جعجع در سال ۱۹۹۵ به اتهام کشتار و ترور به اعدام محکوم، اما سرانجام در سال ۲۰۰۵ بر اثر دخالت سؤال‌برانگیز سازمان عفو بین‌المللی از زندان آزاد شد و فعالیت سیاسی خود را از سر گرفت. وی جایگاه نازل‌تری را در مقایسه با میشل عون در معادلات کنونی انتخابات ریاست‌جمهوری دارا بوده و البته از برخی حمایت‌ها در داخل گروه ۱۴ مارس، از جمله موافقت اولیه سعد حریری رئیس حزب المستقبل، نیز برخوردار است، هرچند انطوان اندراوس، معاون رئیس جریان المستقبل، در گفتگو با روزنامه الشرق الاوسط مورخ ۲۶ خرداد گفته است حریری منتظر تضمین‌های میشل عون درباره موضوع سلاح حزب‌الله و حضور این جنبش در سوریه است، اما ظاهراً ریاض نیز تمایلی در این رابطه از خود نشان نداده است (میدل ایست مانیتور، ۲۰۱۴). ازسوی دیگر، برخی هم‌پیمانان جعجع بدون حضور وی توانسته‌اند دولت را تشکیل دهند و حتی رایزنی‌های آنها با میشل عون نیز همچنان ادامه دارد. اگرچه گفته می‌شود جعجع نیز به دنبال نزدیکی به حزب‌الله است، اما مقاومت، این حرکت وی را موقتی و صرفاً جهت گذار از این مرحله تحلیل می‌کند، البته افراطی شدن فضای سیاسی لبنان، همانند حوادث سال ۱۹۸۲، می‌تواند زمینه ورود سمیر جعجع را به بعثدا هموار سازد.

۴. سناریوی دیگر، عدم توافق درباره میشل عون بوده که زمینه مطرح شدن برخی گزینه‌های دیگر را فراهم می‌آورد که از آن جمله می‌توان به جان قهوجی و ریاض سلامه اشاره داشت. در این زمینه گزارش روزنامه الاخبار چاپ لبنان قابل ذکر است که توافق آمریکا و ایران را درخصوص انتخاب ژنرال جان قهوه جی، فرمانده کنونی ارتش، به‌عنوان جایگزین میشل سلیمان محتمل می‌داند.

۵. سناریوی آخر را می‌توان از منظر جریان‌هایی مشاهده کرد که با ورود لبنان به خلأ سیاسی و تصمیم‌گیری، هرچند به‌صورت موقت، مخالفتی ندارند و ضمن تخریب رسانه‌ای دیگر نامزدهای مطرح، با خالی ماندن جایگاه ریاست‌جمهوری برای مدتی موافقت، زیرا این کار به قیمت از بین بردن سناریوهای یاد شده تمام می‌شود. این گروه‌ها از فردی حمایت می‌کنند که فاقد وزن سیاسی لازم بوده، زیرا این امر موجب افزایش اختیارات آنها در دوران رئیس‌جمهور جدید خواهد شد.

به‌طور خلاصه، در صورت تداوم وضع موجود و تا انتخاب رئیس‌جمهوری بعدی، دولت لبنان انجام وظایف مرتبط را برعهده خواهد داشت، اما آنچه می‌تواند به چالشی اصلی برای کابینه تمام‌سلام تبدیل شود، که پس از ماه‌ها بن‌بست سیاسی و اختلاف بر سر شکل‌گیری آن و با حمایت پارلمان، مجوز تشکیل دولت را از سوی میشل سلیمان دریافت کرد، عدم مشارکت دولتمردان مسیحی در جلسات هیئت وزیران است. بر پایه قانون اساسی لبنان، جلسات هیئت وزیران، همانند نشست‌های مجلس، دستکم با دوسوم اعضای کابینه رسمیت می‌یابد.



## جمع‌بندی

خاورمیانه شاید یکی از پرفرازونشیب‌ترین دوران تاریخ سیاسی خود را سپری می‌کند. واقعیت آن است که عدم حضور رهبری واحد در کنار قدرت‌نمایی رهبران متعدد صرف‌نظر از وابستگی‌های خارجی و دخالت‌های آنها، باعث ایجاد اختلاف‌نظرهای بسیار درخصوص انتخابات ریاست‌جمهوری لبنان شده و بر آن، سایه افکنده است که البته با توجه به بافت سیاسی و اجتماعی این کشور که همواره محل نزاع جریان‌های داخلی، قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است امری طبیعی به‌شمار می‌رود. این معضل هم‌اکنون در موضوع تعیین رئیس‌جمهور جدید در صحنه پارلمان و به‌صورت اختلاف عمده بر سر نحوه رأی‌گیری بروز و ظهور کرده است. مسئله سوریه و به‌دنبال آن عراق نیز به فضایی برای تسویه‌حساب‌های سیاسی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده و بافت سیاسی - جمعیتی ویژه لبنان و برخورداری از ظرفیت لازم برای تشدید اختلافات قومی - مذهبی، این کشور را بسیار متأثر از این ناآرامی‌ها ساخته است که می‌تواند هرگونه تنش سیاسی را به بحرانی ملی و حتی منطقه‌ای تبدیل کند. ساختار سیاسی ویژه لبنان و فضای حاکم بر معادلات سیاسی این کشور به‌همراه عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی باعث شده‌اند ناکامی در انتخاب رئیس‌جمهور، ترس از افزایش ناامنی را افزایش داده و آینده سیاسی کشور را با ابهام روبرو سازد. ماه‌ها ناکامی و عدم موفقیت در تلاش برای ایجاد توافق بر سر انتخاب رئیس‌جمهور مورد رضایت همه جناح‌ها و جریان‌ها به همراه تداوم تعارضات سیاسی، احتمال اختلال بیشتر را در روند فعالیت‌های کابینه، به ویژه

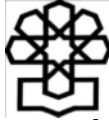
با اتمام دوره قانونی ریاست جمهوری میشل سلیمان افزایش می‌دهد. بر همین پایه پیش‌بینی می‌شود در صورت تداوم این روند و نقش بیشتر در حوزه تصمیم‌گیری از جانب کابینه‌ای که خود پس از فرازونشیب‌های سیاسی فراوان شکل گرفته است، اجماع بر سر تصمیم‌های سیاسی هرچند کوچک، دشوارتر گردد. همچنین، با عدم معرفی رئیس‌جمهور، پارلمان لبنان به یک هیئت انتخابی تبدیل می‌گردد و دیگر قادر نخواهد بود قانونی را تصویب کند و تنها زمانی دوباره به‌عنوان مجلس قانونگذاری رسمیت می‌یابد که رئیس‌جمهور در هرم قدرت حضور داشته باشد. با ملاحظه وضعیت لبنان و اختلافات موجود بین گروه‌ها و جریان‌های سیاسی نمی‌توان انتظار داشت که جلسات پارلمان در آینده‌ای بسیار نزدیک به انتخاب رئیس‌جمهور جدید منتهی شود. این امر دلایل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد، به‌گونه‌ای که توافق نهایی حتی بین گروه‌های حاضر در دو جریان ۸ و ۱۴ مارس را هم مشکل کرده است. بحران سوریه و به‌تبع آن مناقشات اخیر در عراق، عوامل مهمی در به تعویق افتادن انتخاب رئیس‌جمهور لبنان و حصول توافق بین گروه‌های سیاسی بر سر رئیس‌جمهور آینده این کشور به‌شمار می‌روند. آنچه حائز اهمیت است این که در چنین شرایطی انتخاب رئیس‌جمهور در پارلمان منوط به توافق دو جناح اصلی ۸ و ۱۴ مارس است، هرچند به‌نظر می‌رسد برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر در سوریه و انتخاب دوباره بشار اسد بتواند بار دیگر زمینه ایجاد توافقاتی را در داخل لبنان فراهم آورد. علاوه بر این، تلاش‌های سیاسی گروه‌های میانه‌روی مستقل خواهان همبستگی در کنار تحولات منطقه‌ای در سوریه و عراق و نیز ایفای نقش بازیگران فراملی، در نحوه گذر از این بن‌بست تأثیرگذار خواهند بود.



این نگرانی اکنون در لبنان وجود دارد که با تحولات کنونی در عراق و همزمان با افزایش تحرکات گروه‌های تروریستی تکفیری در مرزهای سوریه و لبنان، به‌ویژه تلاش دوباره جبهه النصره برای تصرف برخی شهرک‌های سوری نزدیک لبنان از جمله رنکوس، بار دیگر این کشور به ورطه ناامنی وارد شود، همان‌طور که خلاً ۱۰ ماهه ناشی از فقدان دولت در سال گذشته نیز زمینه را برای گسترش دامنه خشونت‌های ناشی از جنگ داخلی سوریه در این کشور فراهم ساخت. به‌نظر می‌رسد نوعی توافق فراملی و به‌دنبال آن ملی، به‌منظور پر کردن خلاً کنونی در بعداً امری لازم تلقی شود، همان‌طور که در اختلافات پیش از تشکیل کابینه کنونی هم مشاهده می‌شد که با رایزنی‌های گروه‌های ۸ و ۱۴ مارس و همچنین میان‌روها، ترکیب «۸-۸» مورد توافق قرار گرفت که البته با توجه به شرایط منطقه حل فوری معضل خلاً رئیس‌جمهور در لبنان ضروری‌تر به‌نظر می‌رسد. در این شرایط باید به دولت به عنوان پایگاه حل مشکلات کشور نه مکانی برای بروز اختلافات سیاسی و به پارلمان برای قانونگذاری و نه رویارویی جریان‌ها و گروه‌ها نگاه کرد.

## منابع و مآخذ

۱. شش نامزد در انتخابات ریاست‌جمهوری لبنان، *دیلی استار*، ۹ ژوئن ۲۰۱۴.
۲. لبنان بار دیگر در انتخاب رئیس‌جمهور جدید ناکام ماند، نشریه هفته‌نامه ترکیه، ۳۰ آوریل ۲۰۱۴.
۳. سناریوهای آینده ریاست‌جمهوری لبنان، پایگاه اینترنتی دیپلماسی ایرانی، ۱۹ دی ۱۳۹۲.
۴. عربستان سعودی و حزب‌الله درباره رئیس‌جمهور آتی لبنان به تبادل نظر پرداختند، میدل ایست مانیتور، ۹ می ۲۰۱۴.
۵. لبنان به منظور برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری باید بر چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی غلبه کند، پایگاه اطلاع‌رسانی نهار نت، ۲۴ آوریل ۲۰۱۴.
۶. راه پریپیچ و خم به سوی بعدا، موضع‌گیری مثبت حزب‌الله و کارشکنی ۱۴ مارس، خبرگزاری مهر، ۱۹ خرداد ۱۳۹۳.
۷. جوکار، مهدی. لبنان و بحران نبود رئیس‌جمهوری، خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، ۶ خرداد ۱۳۹۳.
۸. سعود، غسان. دهمین رقابت به سمت کاخ ریاست‌جمهوری لبنان، *الاکبار*، ۲۷ دسامبر ۲۰۱۳.
۹. مایکل روبیز، غسان. انتخابات کنونی عربی تماشایی‌اند، *عرب دیلی*، ۲۱ می ۲۰۱۴.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۷۶۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بحران خلأ قدرت ریاست‌جمهوری در لبنان

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: سیدمحمد هوشی سادات

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. لبنان

۲. رئیس‌جمهور

۳. خاورمیانه



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۴/۸